

سه قصه
ایرج طهماسب



نشر چشمه

www.ketab.ir

سرخ‌ناسه: طهماسب، ایر - ۱۳۸۲
عنوان و نام پدیدآور: سه قصه / ایرج - همدا
مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.
شابک: 5-736-229-600-978
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Persian fiction -- 20th century
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ س ۸ هـ / PIR۲۵۲
رده‌بندی دیوبی: ۸۶۲ / ۸۶۳
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۴۰۴۶۲۳



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

زده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - داستان فارسی - مجموعه قصه

سه قصه ایرج طهماسب

مدیر هنری: مجید عباسی

لیتوگرافی: باختر

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

این چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه کپی و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۷۳۶-۵

تلفن انتشارات نشر چشمه:

۸۸۹۱۳۱۸ - ۵

دفتر فروش نشر چشمه:

تهران، خیابان انقلاب، میان ابوریحان، خیابان وحید نظری، شماره‌ی ۳۵.

تلفن: ۵۲۴ - ۶۶۴

کتاب‌فروشی نشر چشمه - بی‌ریزی:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزا میران، شماره‌ی ۱۰۷.

تلفن: ۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کورش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تیرری کور، طبقه هم‌کف، واحد ۴.

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ - ۹۰

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، ترسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نبش خیابان خارمقا.

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲.

تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵ - ۷

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	بالشی پُر از پر سفید
۲۵	خروس سفید
۲۷	فصل اول
۳۳	فصل دوم
۴۱	فصل سوم
۴۹	ماه پریشانی
۵۰	سرگذشت فتح‌ها

مقدمه

ساده و مهیب

کار نویسنده تراشیدن مسره‌ی سرسخت است تا به تن‌دیدی ظریف دست یابد؛ کار نویسنده یوستنداختن کلمات است تا به تن متن برسد؛ ساییدن کلمات روایت است تا تأثیر کلمه به رویت برسد. سال‌ها سروکله زدن با کلمات ریشه‌ها برای ساده کردن‌شان آدم را پیر می‌کند. این پیری سبب می‌شود نویسنده به لایه‌ای از متن راه پیدا کند که بعد از گذشتن از دنیای نویسنده‌ها به آن بسته شده است. انتخاب درست حرف‌ها حرفه‌ای است که به نظر ساده می‌رسد. انتخاب درست حرف‌های ساده‌ساده‌تر به نظر می‌رسد؛ از همین رو، نویسندگان چنین نوشتنی را یا بر نمی‌گزینند که به نظرشان ساده است یا در نوشتن آن در می‌مانند چون چنین نوشتنی هم به تبحر در فن نوشتن نیاز دارد و هم تخصص در شیوه‌ی فکر کردن. دست یافتن به شیوه‌هایی برای روایت سهمگین

حوادث با کلماتی ساده متن نویسنده‌ای را که نوشتن برای کودکان و نوجوانان را برگزیده است از دیگر آثار جدا می‌کند.

رسیدن به سادگی از مسیر پُریچ و خمی امکان‌پذیر است. بعد از مواجهه‌ی سرباز ساده‌ای که به جنگی بزرگ رفته است با مرگ، بعد از مواجهه‌ی بازرگان ساده‌ای که با قحطی بزرگی روبه‌رو شده است با فقر، بعد از مواجهه‌ی انسان ساده‌ای که دستش زیر سنگ بزرگی رفته است با درد، بعد از مواجهه‌ی ما با امری که از فرط بزرگی فاجعه و مهیب بودنش ساده به نظر می‌رسد، به احتمال زیاد سکوت و بی‌تفاوت شدن تنها رفتار مشترک است؛ این رفتار مشترک آدم‌های است که چنان واقعه‌ای تنها و باستان خالی نزد دیگران بازگشته‌اند؛ این آدم‌ها را می‌یابی آن‌د که تنها به کلمات مجهزند.

اگر سربازی ساده در جنگ بزرگ با مرگ مواجه شده است، اگر بازرگان ساده‌ای که در قحطی بزرگ با فقر روبه‌رو شده است، اگر انسان ساده‌ای که به مصیبت سنگین چار و با درد روبه‌رو شده است نوشتن از مرگ، فقر و درد را برگزیند، چه خواهند نوشت؟ آیا دست برداشتن از سکوت ما را به شیوه‌ی صحیح روایت می‌رساند؟ اگر سرباز از مرگ بازگشته و بازرگان از فقر بازگشته و انسان از درد بازگشته برای تعریف خود روایتی را برگزینند، آن روایت کوتاه‌ترین و سراسر است‌ترین و تراشیده‌ترین شیوه‌ی روایت خواهد بود. اگر آنان بتوانند تنهایی خود را بی‌آن‌که دیده شود با امیدی دلگرم‌کننده به روایت خود تزریق کنند، به روایتی ناب دست خواهیم یافت.

مواجهه با ادبیات و آثاری که از به نمایش گذاشتن متن و روایت دست برمی دارند و خود در کنار ما و در متن به تماشای قصه می نشینند تجربه ای است که ما را با اصل قصه روبه رو می کند. این چنین آثاری فقط در ظاهر برای مخاطب نوجوان نوشته می شوند، اما گستره ای که خطاب قرار می دهند به خط کشی های متن مخاطب اکتفا نمی کند. این ها قصه هایی هستند با لایه هایی ظریف؛ با سبک و هم تنیده شده اند تا خواننده لایه به لایه به عمق قصه وارد شود. بتواند تنهایی عظیم آدم های قصه را که طی روایت ساکت و مبهم و در هم مرقه شان کرده است درک کند.

سه قصه ای این جلد اساساً نمونه ای است از دست برداشتن نویسندگان از به رخ کشیدن متن و روایت، و برگزیدن شیوه ای در ظاهر ساده برای تعریف قصه های پربار و عجیب که به درد خواب کردن خواننده نمی خورد و چشم او را از می کند.